



IRANSHAHRI.COM

مقدمه ای بر کلاس های تاریخ اندیشه سیدجواد طباطبایی

روایت چیرگی جدید بر قدیم

حامد زارع

سیدجواد طباطبایی دوره جدیدی از کلاس های خود را در موسسه مطالعاتی اندیشه سیاسی - اقتصادی تشکیل داده است. وی که در گذشته و در همین موسسه «اندیشه سیاسی انقلاب فرانسه»، «توکویل و انقلاب فرانسه»، «کانت و فیخته»، «پدیدارشناسی روح هگل» و «اندیشه سیاسی مارکس» را تدریس کرده بود، از چندی پیش سلسله کلاس های «تاریخ اندیشه» را پیگیری می کند.

طباطبایی که در کلاس های اخیر خود از متد «متن خوانی» استفاده می کند، در اولین قدم از توضیح تاریخ اندیشه، «ماکیاولی» را انتخاب کرده است. چه اینکه ماکیاولی آغاز سخن تازه است و تاریخ اندیشه جدید از وی آغاز می گیرد. در واقع طباطبایی در این کلاس ها قصد ادامه پروژه خود در باب اندیشه سیاسی اروپا را دارد که بعد از چاپ جدال قدیم و جدید، اینک با ماکیاولی قصد روایت چگونگی چیرگی جدید بر قدیم و نوزایی اندیشه سیاسی جدید را دارد. سیدجواد طباطبایی مسلماً از توضیح و تبیین ماکیاولی اهداف دیگری را نیز مدنظر خویش قرار داده است. جدا از پالایش فکر ماکیاولی که نزد عوام به فریبکاری و شیطان صفتی و بی اخلاقی شهره شده است و طباطبایی قصد توضیح اندیشه راستین ماکیاولی و کار سترگی که وی انجام داد را با توسل به متن خود ماکیاولی دارد، نمی توان از نقش ماکیاولی در آگاهی زمانه و طرح انحطاط در دوران خویش و آغاز کردن یک دوران دیگر غفلت کرد که با توجه به تاریخ گرایی که در طباطبایی سراغ داریم و نیز اندیشه مدرن وی، این امر در یاری کردن وی در طرح نظریه هایش نیز موثر است. طباطبایی در تمام آثار و اقوال خویش کمر مواظبت از این ایده را بسته است که در دوران جدید نمی توان با زبان قدیم سخن گفت. نقدهای وی به جریان روشنفکری و همچنین تاریخ معاصر و مخصوصاً مشروطه نیز از فهم همین ایده قابل دریافت است.

البته سیدجواد طباطبایی چون تاریخ را دارای جایگاه می بیند و ایران زمین و تحولات آن را محترم می داند، حتی هنگامی که از اندیشه سیاسی اروپا در دوران جدید می گوید، نظری به ایران و مسیر تاریخ اندیشه در آن دارد. وی در جلسه نخست درس گفتارهایش در باب تاریخ اندیشه با دقت و توجه به مسائل ایران معاصر و همچنین جریان روشنفکری و نهاد دانشگاه، جایگاه اندیشه سیاسی جدید را با ایران مشخص کرد. طباطبایی گفت: «تحول تاریخی اندیشیدن در غرب در کتاب های امروز علوم انسانی ایران دیده نمی شود و این کتاب ها از حد خلاصه هایی فراتر نمی رود.» وی با ترابط وضع کنونی اندیشه و دانشگاه در ایران با



IRANSHAHRI.COM

وضعیت فکر غربی و برخورد اولیه ایرانیان با اندیشه جدید افزود؛ «ما ناچار باید وضعیت خودمان را نسبت به سنت مشخص کنیم. علم و تمدن در جهان اسلام روی یک سنت واحد ایجاد شده است و آن هم سنتی است که بر نص کتاب آسمانی مسلمانان استوار شده است ولی ما ایرانیان حداقل تا قبل از مشروطه سه نص را در سنت خود داشتیم. عقل یونانی، حکمت ایرانشهری و نص اسلامی همزمان در سنت ما وجود داشت. بعد از مشروطه یک ناحیه جدید نیز در نظام سنت مان ایجاد شد و قانون مطرح شد. این یک مفهوم جدید بود که در نصوص گذشته وجود نداشت.» طباطبایی با اشاره به فکر غربی و مفاهیمی همانند قانون که نص چهارم سنت ما را شکل می دهد و ارتباط آن با اتفاق انقلاب مشروطه گفت؛ «از سه نص نخست مشروطه بر نمی آمد، بلکه مشروطه از تحولی دیگر و از نص دیگر نشأت گرفته است. مشروطه یعنی حکومت قانون.»

سیدجواد طباطبایی هم هنگام با پیشبرد طرح های خود، بحث روشنفکری در ایران و تقابل جبری آن با تاریخ اندیشه را نیز مطرح می کند. وقتی می گوید؛ «روشنفکری ایران بر هیچ تکیه کرده است. ولی روشنفکری در غرب بر جایی تکیه زده است که یک نص وجود دارد. بحث روشنفکری ایران باید یک پرسش صحیحی برای خود پیدا کند و آن را به تاریخ اندیشه مرتبط سازد. روشنفکری ما در خلاء مجموعه یی از نص های جدید ظاهر شده است. از سوی دیگر روشنفکران ما از توهم «آنچه خود داشت» نتوانستند بیرون بیایند.»

طباطبایی با وقوف کامل به وضعیت تاریخ ایران زمین و همچنین تاریخ معاصر و فکر و فلسفه وجود در ذهنیت ایرانی و با توجه به همه مسائل و معضل های موجود، علاج درد حاضر را در فهم ماجرای اتفاق افتاده در مدرنیته و اندیشه سیاسی جدید می داند و به همین سبب دست به تدریس تاریخ اندیشه می زند.

آنچه نزد سیدجواد طباطبایی از اهمیت برخوردار است، ماهیت تاریخ اندیشه - و نه روشنفکری - است. به عبارت دیگر اگر ماکیاولی توانست سرآغاز فکر نو باشد به دلیل برجستگی اش در تاریخ اندیشه و وارد کردن مفاهیم جدید بوده است و توضیح همین امر که تاریخ اندیشه راهگشا می تواند باشد نیز در جامعه ما به تعویق افتاده است.

اهتمام طباطبایی به تاریخ اندیشه را باید برخاسته از دقتی دانست که ناظر به «تاریخ» و «تحولات فلسفی» است. ماکیاولی با توجه به آنچه داشته است و دیده است و اندیشیده است، راه جدیدی را باز می کند و قطعاً گشایش این راه و فهم آن ناظر به وضعیتی است که در اتمسفر تاریخ اندیشه سیاسی روی می دهد و برای فهم این تحولات باید تاریخ اندیشه را دانست. از همین رو سیدجواد



IRANSHAHRI.COM

طباطبایی تدریس تاریخ اندیشه را از ماکیاولی آغاز کرده است. پیداست که اگر فهم ماکیاولی و تاریخ اندیشه در ایران اتفاق نیفتاده است به سبب ترجمه ها و تالیف های نارس نیز بوده است و طباطبایی ضمن بیان این نکته که «ماکیاولی آنی است که در کتاب های فارسی نیامده است» با رجوع به متن اصلی شهریار، دست به توضیح ماکیاولی می زند.

ماکیاولی در جایی ایستاده است که پایان یک عصر و آغاز یک عهد است، به عبارت بهتر او در میانه قدیم و جدید قدعلم کرده است و البته که خودش منادی فکر جدید است. با توجه به این نکته تقریرات و اندیشگی های ماکیاولی باید هنرمندانه تر بررسی شود. در این عرصه چاره یی جز زمینه گرا بودن و لحاظ کردن اوقات تاریخی و موقعیت های زمانی که آن اندیشه و تقریرات اثرگذار شده اند، نیست. سیدجواد طباطبایی با وقوف کامل خود بر این نکته که البته از سنت آنگلو ساکسونی و فلسفه قاره یی نیز انتظاری جز این نمی رود، با نگاهی تاریخی و زمینه گرا متون ماکیاولی را مرور می کند. از این جهت این یک کار کاملاً جدید در ایران معاصر ماست که متاسفانه نه در دانشگاه و نه در فضای روشنفکری خبری از آن نیست. فهم تاریخی اندیشه ماکیاولی باعث می شود طباطبایی بگوید؛ «زبان ماکیاولی نه یک زبان قدیمی و ناشی از الهیات مسیحی قرون وسطی است و نه یک زبان کاملاً جدید همانند جان لاک است. بلکه زبان ماکیاولی یک زبان در حال گذار است و یک حالت بینابینی دارد. اصطلاحاتی که ماکیاولی آنها را به کار می برد، مضمونش ناظر بر پایان یک دوران و آغاز دوران جدیدی است که البته هنوز تبیین نشده است.» این نوع نگاه به ماکیاولی که قریب ترین نگرش به ماکیاولی مناسب با تاریخ اندیشه اروپایی است، در هیچ یک از گفتارها و نوشتارهای معاصر ما دیده نمی شود. غیبت این نگاه و اهتمام طباطبایی به این نوع پرداخت، اهمیت دوچندانی را می طلبد.

نیکولو ماکیاولی در شهریار خود سخنانی می گوید که کاملاً با سیاست نامه های قبل از خودش تفاوت ماهوی دارد و اینجاست که شکوفه های فکر جدید قابل رویت است و طباطبایی قصد رونمایی از این شکوفایی را دارد، وقتی که می گوید؛ «ماکیاولی در زبان نوشتن با گذشته خودش تفاوت دارد و در شیوه سیاستنامه نویسی یک تفاوت بزرگ ایجاد می کند. توضیح بهترین شکل حکمرانی که از ارسطو شروع شده بود و در سیاستنامه های ایرانی نیز بازتاب پیدا کرده بود، مساله اش عدل حاکم است. اما ماکیاولی در جایی بدنامی همیشگی برای خود خرید و افکاری تدوین کرد و سیاستی نوشت که با گذشته تفاوت دارد. نه فضیلت ارسطویی بود و نه عدل سیاستنامه یی، ماکیاولی حوزه سیاست را به جایی منتقل کرد که استقلال داشته باشد. به عبارت دیگر سیاست در قلمروی جریان پیدا می کند که اخلاق نباشد. سیاست ماکیاولی غیراخلاقی نیست، بلکه در جایی جریان می یابد که اخلاق حضور ندارد.»

اما نکته مهم دیگری که سیدجواد طباطبایی در کلاس های اخیر خود مدنظر گرفته است «تاریخ تحول مفاهیم» است. علاوه بر اهمیت تاریخ اندیشه و منطق درونی آن، مفاهیم و تاریخ تحول آن نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است تا جایی که طباطبایی



IRANSHAHRI.COM

کلاس خود را کلاس توضیح اندیشه اندیشمندان نمی داند بلکه کلاس توضیح تاریخ تحول مفاهیم می نامد و البته برای پربها نشان دادن مفاهیم و نقش آن در تاریخ اندیشه، کسی فاخرتر از نیکولو ماکیاولی نمی توان یافت. سیدجواد طباطبایی معتقد است؛ «ماکیاولی هرگز با مفاهیم بازی نمی کند بلکه مفاهیم را درست سر جای خودشان قرار می دهد. ماکیاولی گوهریان و طلاساز بزرگی است که جایگاه هر واژه یی را می داند. کلمات در ماکیاولی کاملاً مهم است.» وی از این طریق نگاهش را متوجه تاریخ اندیشه می کند و می گوید؛ «ماکیاولی برای اولین بار راهی را باز کرد تا تحولات حوزه اندیشه از ژان بدن تا توماس هابز صورت بگیرد و در این فاصله زمانی مفاهیم شکل بگیرد.»

جهد و کوشش طباطبایی در تدریس ماکیاولی و تاریخ اندیشه که به هابز و لاک و روسو نیز خواهد رسید و تدقیق در چگونگی شکل یابی و قوام یافتگی مفاهیم سیاسی در تاریخ اندیشه، از ویژگی های مهم تحقیقات و تدریسات اوست که جای خالی آن به راحتی قابل حس است. توضیح ماکیاولی قدم بزرگی در توضیح مناسبات قدرت و میدان جاذبه سیاست و همچنین رابطه نیروها در درون سیاست و قدرت است که با ادامه سلسله درس های طباطبایی و پرداختن به اندیشمندان دیگر، این بحث کامل تر می شود.

این نوشتار در حکم دیباچه یا مقدمه یی بر تشکیل کلاس های تازه طباطبایی در باب تاریخ اندیشه سیاسی است و نوید این خبر که از این پس هر هفته گزارش کامل درس گفتارهای سیدجواد طباطبایی در همین روز و در همین صفحه به خدمت علاقه مندان تاریخ و اندیشه عرضه خواهد شد.